



Challenges of Iranian Elementary Education System

Hossain Hassani¹, Seyyed Saleh Asadi^{2*}

1 Ph.D. in curriculum planning, lecturer at Farhangian University of Hamadan, Iran

2 MSc in Curriculum Planning Shahid Rajaei Teacher Training University, Iran

* **Corresponding author: Seyyed Saleh Asadi** , MSc in Curriculum Planning Shahid Rajaei Teacher Training University, seyyedsalehasadi@yahoo.com

Received: 2020-01-29

Accepted: 2020-03-02

Abstract

Contemporary Challenges in Elementary Education Curriculum such as Economic Challenges, Economics and Labor, Technology, Social and Personal Challenges, Globalization and Localization, Gender, Environmental Issues, Multi They are cultural, futuristic and futuristic, multiple intelligences, religion and spirituality, internationalization, peace education, linguistic minorities, and so on. The purpose of this study is to investigate the challenges of Iranian elementary education system. The research method is review and libraries. The findings of this study indicate that the challenges of the education system in the Eidahi period can be divided into three general categories, namely: Iran's education challenges globally , Past value devaluation, the phenomenon of inequalities in education, the phenomenon of modern illiteracy, the inattention to mindsets, foreign language education, the challenge of poverty, homelessness and student health), the general challenges of education (including: management and organizational structure). , Teachers, curriculum, resources and allocation) and elementary education challenges.

Keywords: Challenges, Elementary School, Education system, Teachers



چالش‌های نظام آموزش دوره ابتدایی ایران

حسین حسینی^۱، سید صالح اسدی^{۲*}^۱ دکتری رشته برنامه ریزی درسی، مدرس دانشگاه فرهنگیان استان همدان^۲ کارشناس ارشد رشته برنامه ریزی درسی از دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی* نویسنده مسئول: سید صالح اسدی، کارشناس ارشد رشته برنامه ریزی درسی از دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی،
seyyedsalehasadi@yahoo.com

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۱۲/۱۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۱۱/۰۹

چکیده

از جمله چالش‌های معاصر برنامه‌های درسی در نظام آموزشی دوره ابتدایی مواردی از قبیل چالش‌های اقتصادی، اقتصاد و کار، فناوری، چالش‌های اجتماعی و شخصی، جهانی شدن و بومی ماندن، جنسیت، مسائل زیست محیطی، چند فرهنگی، آینده نگری و آینده شناسی، هوش‌های چندگانه، مذهب و معنویت‌گرایی، بین‌المللی شدن، آموزش صلح، اقلیت‌های زبانی (دوزبانگی) و... هستند. هدف از این پژوهش بررسی چالش‌های نظام آموزش دوره ابتدایی ایران است. روش پژوهش، مروری و کتابخانه‌ای است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد چالش‌های نظام آموزش در دوره ابتدایی را می‌توان به سه دسته کلی تقسیم بندی کرد که عبارت اند از: چالش‌های آموزش و پرورش ایران از نگاه جهانی (شامل: آموزش زیست محیطی، کاهش ارزش زمان گذشته، پدیده آموزش‌های ناهمسان، پدیده بی‌سوادی مدرن، عدم همراهی ذهنیات با عینیات، آموزش زبان خارجی، چالش فقر، بی‌خانمانی و بهداشت دانش آموزان)، چالش‌های عمومی آموزش و پرورش (شامل: مدیریت و ساختار تشکیلات، معلمان، برنامه‌های درسی و آموزشی، تأمین و تخصیص منابع) و چالش‌های آموزش و پرورش ابتدایی.

واژگان کلیدی: چالش‌ها، دوره ابتدایی، نظام آموزشی، معلمان

تمامی حقوق نشر برای فصلنامه رویکردی نو در علوم تربیتی محفوظ است.

۱- مقدمه

آموزش روش‌های نوین تدریس، درگیر نمودن معلمان در محیط‌های واقعی و نظارت بر فعالیت‌ها در کلیه دوره‌های تحصیلی، اقدام نمود. نظام آموزشی برای تربیت چنین معلمان با چالش‌هایی روبرو است که به طور مختصر به آن‌ها اشاره می‌کنیم:

تمام فعالیت‌ها در بن‌بستی نوین به‌نام روش معلم، گرفتار می‌شود، تا معلمان نیاز به تغییر روش را حس نکرده و به روش‌های نوین یاددهی- یادگیری بی‌توجه باشند فعالیت‌ها خنثی شده و عقیم خواهد ماند. پس بایستی ابتدا با تاکید بر تغییر نقش معلم از دانای کل به راهنمایی که خود احتیاج به آموزش دارد و سپس

چالش شخصى: همه افراد، قابليت‌ها، گرايش‌ها و بيوگرافى-هاى مختلفى دارند. آن‌ها گذشته متفاوت و آينده متفاوتى دارند. يکى از وظايف آموزش و پرورش اين است که به افراد کمک کند تا گذشته‌شان را بفهمند و آينده‌شان را پيدا کنند. اين با کمک به آن‌ها براى شناسايى تمايلات، احساسات و علائق آنان شروع مى‌شود. افراد بيشتر ساله‌هاى رشدشان را در مدرسه مى‌گذرانند و آن‌ها فقط نياز علمى ندارند. آن‌ها اجتماعى و احساسى هستند. افراد نياز به تعليم و تربيتى دارند که به آن‌ها کمک کند تا هدفشان را پيدا کنند و خودشان و زندگى شان را درک کنند. از آنجا که امروزه در جوامع جوانان دارى مشکلات عاطفى زيادى هستند، مدارس بايد به آن‌ها کمک کند تا عواطف و احساساتشان را در روش‌هاى مثبت و سازنده کشف و بيان کنند. برنامه درسى اکادميک مرسوم براى اين کار طراحى نشده است. بنابراين با توجه به اين چالش‌ها، نياز است که برنامه درسى در همه ابعاد فرهنگى، اقتصادى، اجتماعى، سياسى و... پاسخگو باشد. برنامه درسى آينده مى‌تواند راه حلى براى مقابله با اين چالش‌ها باشد. به‌منظور تبين بهتر موضوع، چالش‌ها به ۳ دسته کلى ذيل تقسيم بندى مى‌شود.

۱- چالش‌هاى آموزش و پرورش ايران از نگاه جهانى

۲- چالش‌هاى عمومى آموزش و پرورش

۳- چالش‌هاى آموزش و پرورش ابتدايى

۲- چالش‌هاى آموزش و پرورش ايران از نگاه

جهانى

الف- آموزش زيست محيطى

امروزه بحران محيط‌زيست يک مسئله جهانى تلقى شده و آنچه به‌عنوان عوامل تهديدکننده محيط‌زيست انسان مطرح مى‌شود بسيارند از جمله: افزايش آلودگى‌ها، کاهش منابع طبيعى نظير جنگل‌ها، افزايش جمعيت، نابودى لايه اوزن و... معيذا اين مسئله که نسبت آموزش و پرورش با بحث‌هاى زيست‌محيطى چيست و آموزش محيط‌زيست از کجا و چه زمانى بايد آغاز شود؟ جايگاه اين آموزش‌ها در مدرسه و در کلاس درس کجاست؟ مشکلات محيط‌زيست و خطراتى که انسان براى محيط‌زيست به وجود آورده کدامند؟ و چگونه مى‌توان از افزايش آنها جلوگيرى کرد؟ موضوع‌هاى است که نياز به آموزش را بيشتر ساخته و مسؤوليت‌هاى بيشترى را براى نظام آموزش و پرورش ايران به همراه آورده است. کشورهاى پيشرفته با برنامه‌ريزى به‌هنگام سعى کرده‌اند اين آموزش‌ها را به خانواده، مدرسه و کلاس درس بياورند [۱].

در ايران هم بايد اين مباحث به شکل جديدى در برنامه‌هاى آموزشى و درسى و حتى آموزش خانواده وارد شود و اين

چالش‌هاى اقتصادى: يکى از مهمترين انتظارات از تعليم و تربيت عمومى اين است که افراد را براى پذيرش يک شغل در جامعه آماده سازد. اولويت اساسى برنامه‌هاى ما بايد خواندن، نوشتن و حساب کردن باشد؛ بدون اين مهارت‌هاى پايه‌اى، هيچ دانش‌آموزى نمى‌تواند حداکثر بهره ورى را از برنامه درسى ببرد. به هر حال در نيروى کار آينده، خلاقيت، سازگارى و مهارت‌هاى ارتباطى نيز حياتى هستند که بايد در افراد ايجاد شوند تا بتوانند با چالش‌هاى اساسى که در آينده مواجه مى‌شوند، مقابله کنند.

چالش اشتغال و کار: تقاضاى رو به رشدى در سراسر جهان براى تعليم و تربيت و آموزشى وجود دارد که منابع انساني را توسعه دهد مخصوصاً توان برقرارى ارتباط، خلاقيت و نوآورى را، و اين بدین علت است که در تجارت همواره نياز است که محصولات و خدمات جديدى توليد شود و نياز به سبک‌هاى مديرى و افراد خلاقى است که بتوانند اين نياز بازار کار را برآورده سازند. خلاقيت در اشکال مختلف تجارت و در همه نوع کارى مورد نياز است.

چالش فناورى: ميزان تغييرات فناورانه در جهان هر روز با سرعت در حال افزايش است. فناورى‌هاى اطلاعاتى، نحوه فکر کردن، برقرارى ارتباط، کار کردن و بازى کردن ما را تغيير مى‌دهند. مرزهاى جديدى از طريق فناورى نانو ايجاد شده است. ابزارهاى فناورى مثل رايانه‌ها به سرعت در حال تغيير هستند. فناورى‌هاى جديد در همه حوزه‌هاى زندگى ما نفوذ پيدا کرده‌اند. جوانان اغلب، امکانات فناورى‌هاى جديد را به معلمشان ترجيح مى‌دهند. مدارس به عنوان نقطه ورود به جهان گسترده تر اطلاعاتى و دانشى نگريسته مى‌شوند. فناورى‌هاى جديد فرصت‌هاى بي‌شمارى را در اختيار فراگيران قرار مى‌دهند و اين فرصت‌ها همچنان در حال افزايش است. اين فناورى‌ها با اينکه مزيت‌هاى زيادى دارند ولى تهديدهايى براى جوانان نيز به شمار مى‌روند. يکى از تهديدها اين است که جوانان ارتباط مستقيم کافى با يکديگر برقرار نکنند و اين ممکن است روى رشد اجتماعى شان تأثير سوء بگذارد. تهديد ديگر مربوط به تأثير سوء فناورى‌ها روى رشد عاطفى و احساسى افراد است.

چالش اجتماعى: تأثيرات ترکيب شده تغيير اقتصادى و فناورى، چشم انداز اجتماعى را تغيير مى‌دهند. در برخى حوزه‌ها، تغيير الگوهاى سنتى کار، تأثيرات زيادى روى زندگى اجتماعى و ارتباطى مردم مى‌گذارد و باعث بيکارى عده‌اى از مردم مى‌شود. در برخى حوزه‌ها نيز منافع زيادى را در حوزه اجتماعى به همراه داشته است. فناورى‌هاى جديد به واسطه دسترسى افراد به فرهنگ جهانى، تغييراتى اساسى در حوزه فرهنگى و اجتماعى ايجاد کرده‌اند. در اين زمينه نياز است که آموزش و پرورش، آگاهى افراد را رشد دهد تا دچار چالش‌هاى اجتماعى نشوند.

فرصت‌های یادگیری در اختیار کودکان و نوجوانان قرار گیرد. فرصت‌های یادگیری که دانش‌آموزان را به‌طور عینی با این مسائل آشنا و جامعه را متوجه این مباحث سازد. به‌طوری که یک مادر هم بتواند این آموزش‌ها را به فرزندانش منتقل کند.

د- پدیده آموزش‌های ناهمسان

رشد فناوری‌های ارتباطاتی، تنوع محصولات و روش‌ها و متون آموزشی منجر به آن شده که بسیاری از کشورهای در حال توسعه به ویژه ایران دچار معضل و پدیده «آموزش‌های ناهمسان» یاد شده که در اثر آن بخشی از دانش‌آموزان در حالی که در درون یک نظام آموزشی رسمی واحد در حال تحصیل می‌باشند، به واسطه دسترسی به امکانات تازه (به ویژه شبکه اینترنت)، به‌صورت غیررسمی از آموزش‌های دیگری نیز بهره‌مند می‌شوند. آموزشی که چون جامعه مورد نظر در آن نقشی ندارد، با آموزش رسمی، همسان نمی‌باشد. این ناهمسانی بین این دو فضا، می‌تواند لطمات جبران‌ناپذیری به نظام آموزشی ایران وارد نماید.

ز- عدم همراهی ذهنیات با عینیات

آموزش و پرورش رسمی کشور بر محفوظات تکیه دارد و این روند برای هر دانش‌آموزی تا دوازده سال ادامه می‌یابد لذا اغلب آموزش‌هایی که طی این مدت اریه می‌شود، تا مرحله «ذهن» است و به مرحله «عین» نمی‌رسد. عدم «همراهی ذهنیات» با «عینیات» و تماس نیافتن آموزه‌های تئوریک با تجربه‌ها و واقعیت‌ها، نتیجه‌ای جز بیگانه‌سازی دانش‌آموزان با دنیای پرتنوع و فعال بیرونی ندارد. به‌عبارتی آموزش و پرورش رسمی ایران، دانش‌آموزان را با فرایندهای اجتماعی درگیر نمی‌سازد لذا دانش‌آموزان برخاسته از این نوع نظام آموزشی، در رویارویی با موج فرهنگ جهانی دچار انحرافات فکری خواهند شد. [۳].

ح- آموزش زبان خارجی

جهان امروز از کشورهای متعدد و گوناگونی تشکیل شده که هر یک به سبب تاریخ خاص خود از فرهنگ و زبان متفاوتی برخوردار است و این تنوع و گوناگونی، گاهی امکان زندگی مشترک انسان‌ها در کنار یکدیگر را دشوار می‌سازد؛ چرا که زبان صرفاً ابزاری برای برقراری ارتباط نیست، بلکه جهانی‌بینی افراد، قوه تخیل آن‌ها و روش انتقال دانش را نیز بیان می‌کند. یادگیری زبان خارجی همچنین به‌منظور استفاده از میراث‌های فرهنگی سایر کشورهاست و همان‌طور که قبلاً گفته شد، یادگیری زبان‌های لاتین، یونانی و عربی در دوره‌های مختلف تاریخی به‌دلیل محور بودن این کشورها از ابعاد مختلف بوده است. امروزه با توجه به توسعه صنعت و تجارت و نیز با جهانی شدن اقتصاد و توسعه فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی و از همه

ب- کاهش ارزش زمان گذشته و افزایش ارزش زمان حال

از جمله اصول مهم در نظام آموزشی سنتی جامعه ایران، ارزش فوق‌العاده‌ای است که «زمان گذشته» دارا می‌باشد. همواره در گفت‌وگوها، از این ارزش به‌عنوان «تجربه» یاد می‌شود و پیوسته افراد بزرگتر را درس‌آموز و صاحبان تجربه دانسته و سعی همگانی بر این است که با استفاده از تجربه ایشان، بر دانش خود بیفزایند. این تلقی، اصول نظری و عملی خاصی را در نظام آموزشی حاکم ساخته که معمولاً به‌عنوان «ادب تحصیل» از آن یاد می‌شود.

این در حالی است که تحولات رخ داده در عرصه فناوری و روش‌های نوین آموزشی، به شدت این اصل را دستخوش تحول ساخته است. امروزه یک جوان با استفاده از امکانات آموزشی و ارتباطی، به حجم بالایی از اطلاعات و دانش دست می‌یابد و این چنین می‌شود که «ارزش زمان تجربه شده» به شدت کاهش می‌یابد و در نتیجه ادب پیشین نیز متحول می‌شود؛ چرا که جوان امروزی خود را نیازمند تجربه نسل قبل ندیده و احساس می‌کند به توانمندی‌ها و دانش‌هایی دست یافته که به-مراتب بیشتر از دانسته‌های نسل پیشین است. با توجه به سرعت فزاینده رشد امکانات جدید آموزشی و ارتباطاتی در جامعه ما، این تحول در حال وقوع است. پس باید توجه داشت که نسل جدیدی از دانش‌آموزان در راه هستند که تصور و تلقی متفاوتی از زمان گذشته دارند و بنابراین نمی‌توان از آنها توقع ادب تحصیلی پیشین را داشت [۲].

ج- پدیده بی‌سوادی مدرن

افزایش جمعیت خواهان دسترسی به اطلاعات و کسب مدارج عالی علمی، محدودیت‌های مادی و انسانی موجود بر سر راه تأمین این نیازها و تحول فزاینده تغییرات اجتماعی، مانع از آن می‌شود که همچنان روش‌های سنتی آموزش بتوانند برای پاسخ‌گویی به نیازهای جهانی معاصر مورد توجه قرار گیرند. در این خصوص می‌توان به پیدایش پدیده‌های نوینی همچون: دانشگاه‌های مجازی و استفاده از روش‌های الکترونیکی اشاره نمود، که متأسفانه مشارکت و سهم ما در طراحی یا کاربرد این مقولات بسیار پایین است.

مهم‌تر، با توسعه علم و دانش در کشورهای «شمال» و لزوم همگامی با جهان از این نظر، ضرورت یادگیری زبان‌های خارجی بیش از پیش توجیه‌پذیر شده است.

ی- چالش فقر، بی‌خانمانی و بهداشت دانش آموزان

ی-۱- فقر

در سال ۲۰۰۴ تقریباً بیست درصد کودکان زیرخط فقرزندگی می‌کردند که این سطح بالاتر از سطح کشورهای صنعتی ایست و در سال ۲۰۰۵ به سیزده میلیون افزایش یافته است. درصد کودکانی که زیرخط فقر هستند اهمیت بسزایی دارد. ۳۴ درصد از کودکان سیاه پوست و ۳۰ درصد از کودکان اسپانیایی و ۱۰ درصد از کودکان سفیدپوستان زیر خط فقر قرار دارند. کودکانی که با خانواده‌های بدون منابع مالی زندگی خود را به سر می‌برند از کمبود غذای کافی، لباس، خانه و مراقبت‌های بهداشتی رنج می‌برند. فقر باعث آسیب رشد شناختی در کودکان می‌شود. که در ارتباط با مسائل اجتماعی و عاطفی آنان است و اغلب به فقرغذایی و بهداشت و کاهش رشد جسمانی منتهی می‌شود. مراقبت و تعامل پدر و مادر با کودکان ممکن است با آنچه که در مورد فقر مطرح شد به خطر بیفتد. بیش از ۷ کودک از ۱۰ کودک فقیر در سال ۲۰۰۴ حداقل یکی از والدین کار می‌کنند و اگر یکی از والدین بطور تمام وقت در دولت فدرال کار کنند همچنان با این حقوق در فقر زندگی می‌کنند. مراقبت‌های کودکان در حال افزایش است اما درآمدها کاهش یافته است. شغل‌های مفید کمیاب شده‌اند و کارگران کمتر و کم‌تر دارای حاشیه امنیت هستند.

ی-۱-۱- اثرات فقر بر کودکان

برای همه کودکان در تمام سنین فقر تأثیرات مخربی همچون کوتاهی رشد، فقر آهن، آسم شدید دارد. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که فقر قبل از تولد خطر بزرگی برای مادرانی ایست که در طول بارداری سیگار مصرف می‌کنند. در کتاب به هدر رفتن آینده آمریکا، در دفاع از کودکان، پیش بینی شد که فقر کودکان هر سال در سطح فعلی هزینه‌ای بالغ بر حداقل ۳۶ میلیون از تولیدات آینده را به هدر خواهد داد زیرا کودکان فقیر تحصیل کرده و کارگران موثر کم خواهند بود. مک لوید^۱ (۱۹۹۰) معتقد است که تجارب اقتصادی سخت خانواده‌های سطح پایین، اضطراب، غمگینی و کج خلقی را به دنبال دارد.

ی-۱-۲- تأثیر در والدین

نوع شغلی که والدین در آن‌ها مشغول به کار هستند، بر فقر خانواده‌ها تأثیر می‌گذارد. کوهن^۲ در سال (۱۹۷۷) نشان داد که

والدین در خانواده‌های سطح پایین به رفتارهای کودکانشان توجه می‌کنند. در حالیکه والدین طبقه متوسط انگیزه و دیدگاه کودکان را در رفتارشان جستجو می‌کنند. کوهن چنین تفسیر می‌کند که این تفاوت با ویژگی‌های با سطح شغلی در ارتباط است. خانواده در سطح بالای اقتصادی، اجتماعی، والدین با پول کافی برای آسایش و راحتی محبت و گرمای بیشتری را ابراز می‌کنند با کودکان خود بیشتر صحبت می‌کنند و آزادی عمل بیشتری می‌دهند که ابراز نظر آزادانه، استقلال، کنجکاوی و خودکنترلی را در پی خواهد داشت. والدینی که فشار مالی را تجربه می‌کنند غمگینی، اضطراب و اختلافات زناشویی، آسیب‌های ناشی از شرایطی ممکن است به روابط آن‌ها صدمه بزند را تجربه کنند که جدایی از فرزندانشان را به دنبال داشته باشد.

ی-۱-۳- فقر و خانه

افزایش اجاره‌ها منجر به افزایش تورم می‌شود و خانواده‌های کم درآمد بیشتر متزلزل می‌شوند که نتیجه‌ی آن رشد زندگی شهری و نوسازی است. درآمد پایین برای خانه که توسط انجمن در سال ۲۰۰۴ گزارش شده حاکی از آن است که کل حقوق برای خانه دو خوابه با اجاره متوسط کافی نیست و نزدیک به سه برابر حقوق باید اجاره پرداخت شود. البته این داده فقط در ۴ شهرستان آمریکا بدست آمده است. به گونه‌ای که با کل حقوق کارگران می‌توان یک آپارتمان یک خوابه اجاره کرد. همچنین گزارش شده زن‌ها، کودکان و سالمندان بیش از آنچه که ذکر شده در مساله خانه درگیر هستند. ۹۳ درصد از خانواده‌های پرجمعیت و ۵۶ درصد از خانواده‌ها با مشکلات گوناگون خانواده‌های پرجمعیت مواجه‌اند مثل نقص حرارت و سیستم لوله کشی و خطراتی که برای بهداشت وجود دارد.

ی-۲- بی‌خانمانی (خانه به دوشی)

هر خانواده‌ای نداشتن خانه را به گونه‌ای متفاوت تجربه می‌کند. عوامل بسیاری در نداشتن خانه دخیل هستند. نداشتن شغل، سوءمصرف مواد، ناتوانی جسمی، طلاق، مهاجرت، بیماری، فرار از موقعیت‌ها و فقر. در کنفرانس مایرز اعلام شده است که پناهگاه ضروری برای خانواده‌های بی‌خانمان از ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۴ به میزان ۷ درصد افزایش یافته و همچنان تا ۲۰۰۵ در حال افزایش است. اطلاعات ذکر شده در قسمت قبلی پیرامون ضعف‌ها و هزینه‌های خانواده‌ها، دلیلی بر بی‌خانمانی آن‌هاست. پیش‌تر بی‌خانمانی‌ها بستگی به نوع خدمات قابل دسترس خانواده-ها از دولت فدرال، ایالت یا منابع محلی دارد. خانواده‌های بی‌خانمان ساختار خانوادگی متفاوتی دارند. بی‌خانمانی بر خانواده‌ها مخصوصاً کودکان کوچک‌تر تأثیر می‌گذارد که شکل‌گیری

- تمام وقت نبودن - عدم صلاحیت علمی و تدریس.
- ناکارآمدی نظام گزینش و تربیت معلم و دوره‌های آموزش معلمان.
- سیستم ارزشیابی نامناسب از عملکرد معلمان.
- بی‌توجهی به رفاه معلم و فقدان شبکه حمایتی.

۲-۳- چالش دوم: مدیریت و ساختار تشکیلات

- عدم درک مدیریت علمی برای حل مسائل و مشکلات آموزشی.
- نظام گزینش و انتصاب و ارتقاء شغلی در پست‌های مدیریتی بر اساس صلاحیت‌های حرفه‌ای و شایستگی‌های علمی و تخصصی انجام نگرفته بلکه بیشتر بر اساس تفکر ذهنی و مجرد و سیاسی، قومی قبیله‌ای و گروهی صورت می‌گیرد.
- ناتوانی سیستم در جذب و نگهداشت نیروهای کیفی.
- مدیریت اقتدارگرا و آمرانه و غیر پاسخگو و عدم طراحی و اجرای نظام مدیریتی پاسخگو.
- فقدان نظارت و ارزشیابی و کنترل کیفی.
- تمرکزگرایی و دیوان سالاری در بخش مدیریت
- عدم استفاده بهینه از منابع اختصاص یافته به آموزش و پرورش به دلیل مدیریت غیر علمی و غیر صلاحیت مند و اتلاف سرمایه.
- توزیع نامتوازن و نامناسب نیروی انسانی برای تداوم مهاجرت و فعل و انفعالات جمعیت دانش آموزی و جامعه معلمان و ناتوانی در پوشش مناسب آن‌ها در مناطق مختلف.
- وضع آیین نامه‌های خشک و انعطاف ناپذیر و غیر شفاف و بوروکراسی گرایانه.

۳-۳- چالش سوم: برنامه‌های درسی و آموزشی

- برنامه درسی غیر پویا، نامناسب و منتقل کننده اطلاعات دست دوم و حافظه مدار و نتیجه مدار. با کمترین توجه به نیازهای واقعی دانش آموزان در همه سطوح.
- نظام برنامه درسی کاملاً متمرکز و همگانی و انعطاف ناپذیر و بی‌توجهی به تفاوت‌های اقلیمی - قومی - فرهنگی و تفاوت‌های فردی و روانشناختی دانش آموزان.
- نظام برنامه درسی پاسخ مدار، حافظه مدار و مقاوم در برابر مشارکت معلمان و نوآوری‌های آموزشی و فن‌آوری اطلاعات و ارتباطاتی.
- پاسخگو نبودن برنامه‌ها و روش‌ها به نیازها و اقتضائات جدید آموزشی و انتظارات جامعه و خانواده.

محیط‌های بی‌نظم و آشفته از جمله آنهاست. کودکان خانواده‌ی بی‌خانمان در محیط‌هایی که امنیت و آسایش مورد نیاز برای کودکان بسیار کم است رشد می‌کنند. کودکان در کودکی اغلب با احساس خودشان و با استقلال کار می‌کنند و این با آنچه که در جابجایی از یک مکان به مکان دیگر و یا موقعیت‌های پناهگاهی تجربه می‌کنند، متفاوت است. دو مسئله مهم در مورد کودکان بی‌خانمان: ۱- تأثیرات بی‌خانمانی بر رشد کودکان؛ ۲- تأثیرات بی‌خانمانی بر برنامه‌های آموزشی کودکان. که این تأثیرات برای مریمان، قانون‌گذاران و تهیه‌کنندگان خدمات مهم است. در کار کردن با کودکان بدون خانه (بی‌خانمان) شاید لازم است که شما اهمیت بهداشت و نظافت کودکان را بررسی کنید. ممکن است خسته، گرسنه یا بیمار باشند؛ و با وجود سعی خانواده‌های بی‌خانه شاید مراقبت‌های کافی برای کودکان آنان فراهم نباشد. یک مسئله مهم برای خانواده بی‌خانه بهداشت است. شرایط زندگی برای حمایت از عادت‌های خوب سلامت، مهیا نیست. و آن‌ها به ندرت از مراقبت‌های بهداشتی سود می‌برند که این مسئله یکی از منابع گوناگون استرس زا در زندگی این خانواده‌ها می‌باشد.

ی-۳- بهداشت یا سلامتی کودکان

وضع دل‌سرد کننده حاکم بر بهداشت، هزینه‌ها و میزان دسترسی به آن است. هزینه‌ها برای پوشش ضعف‌های خانواده‌ها و کودکان در بهداشت به نسبت قابل برآورد است. این خانواده‌ها احتمالاً بیش از آنچه گزارش شده از لحاظ سلامت فقیر هستند. تعداد دکترا اغلب کم است و مراقبت‌های پیشگیری کننده موجود نیست. عفونت گوش و یا آسم در غالب کودکان چنین خانواده‌هایی وجود دارد که درمان نشده‌اند و ترک تحصیل اغلب ناشی از این بیماری‌هاست و به ندرت آزمایشات کلی منظم برای آن‌ها وجود دارد. این کودکان اغلب از زانی متولد می‌شوند که مراقبت‌های قبل از تولد نداشته‌اند [۴].

۳-۳- چالش‌های عمومی آموزش و پرورش

۱-۳- چالش اول: معلمان

- باورها و تفکرات سنتی در مورد رسالت و نقش معلمان.
- نگرش نامناسب رده‌های برنامه ریزی و سیاست گذاری نسبت به معلمان.
- کاهش شأن و جایگاه حرفه‌ای معلمان در جامعه.
- کاهش جاذبه شغلی معلمی بدلیل کاهش منزلت اجتماعی معلمان.
- بی‌توجهی نسبت به مشارکت معلمان و برنامه درسی.
- پایین بودن کارایی معلمان بدلیل فقدان انگیزه.

آموزش و پرورش به ویژه آموزش ابتدایی به لحاظ نوع کار و مکانیزم اثرگذاری آن بر بنیاد جامعه، برنامه‌ریزی‌ها و تصمیمات آن خیلی سریع مورد قضاوت افکار عمومی، بازنگری جامعه و تجزیه و تحلیل نخبگان و اندیشمندان قرار می‌گیرد به همین خاطر مسئولان تصمیم‌ساز در آموزش و پرورش باید با شناسایی و تبیین ارتباط ارگانیک موجود بین عوامل، شرایط و زمینه‌های تأثیرگذاری بر برنامه‌ریزی‌های فرهنگی و آموزشی و کنترل کارآمد برنامه‌ها، مواظب بازخورد فعالیت‌ها و تصمیم‌گیری‌های خود باشند و هرگونه طرح و برنامه را با محک دیدگاه‌های صاحبان فکر و اندیشه‌سنجش و ارزیابی نمایند. تا زمانی که خطمشی‌ها و برنامه‌ریزی‌ها متکی بر ارزشیابی و ارزیابی نظام‌یافته نباشد و برنامه‌ها با دور تند بازنگری نشده و کیفیت برنامه‌ریزی‌ها کنترل نشود نه فقط موجب پیشرفت نمی‌گردد بلکه در برابر خیلی از واقعیت‌های موجود در جامعه و حتی نوآوری‌های علمی و فنی و باورهای نوین مقاومت می‌کند [۵].

۵- بحث و نتیجه گیری

با توجه به نقش مؤثر آموزش و پرورش در تربیت شهروند فعال، باید گفت که عدم معیارهای صحیح در انتخاب افراد فرهنگی و وجود روش‌های فرسوده نقش به‌سزایی در به‌وجود آوردن شرایط نامطلوب در ساختار آموزش و پرورش ایفا کرده و می‌کند. در جایی که باید فرهیخته‌ترین افراد به کار گرفته شوند، برعکس عمل می‌شود. چرا که صرف داشتن یک مدرک فرد را قادر نمی‌سازد که بتواند معلم باشد. لذا همانطوری که برخی کشورهای پیشرفته از جمله آمریکا برای مقاطع آموزشی خود، افرادی با مدرک دکترا استخدام می‌کنند، انجام اصلاحات اساسی در آموزش و پرورش ایران نیز نیاز به پیوند اساسی دانشگاه‌ها و آموزش و پرورش دارد؛ در غیر این صورت نمی‌توان امید داشت که توسعه در جامعه ما معنای واقعی خود را پیدا کند.

رسیدگی به وضع معیشتی معلمان و ایجاد جاذبه‌های شغلی برای این حرفه، محوری‌ترین نکته‌ای است که می‌تواند نارسایی‌های جانبی را بازسازی کند. زیرا که دیوارهای بنای عظیم آموزش که با مصالحی همچون برنامه‌ریزی آموزشی، برنامه‌ریزی درسی، خلق روش‌های نو در تدریس، فراهم‌سازی امکانات و تجهیزات و فضاسازی لازم و... ساخته می‌شوند هرچند اصولی، دقیق و حساب‌شده باشند اما در برابر وضعیت نامناسب زندگی اجتماعی معلمان مقاوم نخواهد بود.

تربیت نقش عمده‌ای در اصلاحات بازی می‌کند. تربیت با مبنای عمل و رعایت حقوق دیگران از حدود سه‌سالگی آغاز می‌شود. بر همین اساس تربیت فرد مقدم بر تربیت جمع است. بنابراین آموزش و پرورش باید با برنامه ریزی دقیق و منسجم به تربیت

- نبودن نظریه مشخص و مناسب در حوزه برنامه درسی، وجود تعارض‌های ارزشی، نگرشی و دیدگاهی در فلسفه تربیتی حاکم بر نظام آموزشی.

- عدم جامعیت برنامه‌ها در آموزش مهارت‌های مورد نیاز و ضروری (مهارت‌های حرفه‌ای و شغلی - حقوقی و وظایف شهروندی، سواد رسانه‌ای، آموزش و دموکراسی و تربیت مدنی).

- روش‌های یک رویه در آموزش و فقدان انعطاف در روش‌های یاددهی - یادگیری و عدم استفاده از روش‌های فعال فراشناختی متکی به هنر، مشارکت و حل مسأله و... از سوی مدیران یادگیری.

- تأکید بر امتحانات و ارزشیابی‌های نتیجه‌مدار و تراکمی و صرفاً کمی و ارائه بازخورهای ناکافی و ناقص در مورد یادگیری دانش آموزان از مهمترین آسیب‌های برنامه درسی می‌باشد.

۳-۴- چالش چهارم: تأمین و تخصیص منابع

- ناکارآمدی نظام تأمین و تخصیص و توزیع منابع مالی و انسانی.

- پایین بودن نسبت اعتبارات دولت برای آموزش و پرورش نسبت به تولید ناخالص ملی (G.N.P)

- کاهش توأم با نوسان‌های شدید مهم اعتبارات دولت برای آموزش و پرورش در بودجه عمومی کشور و در بودجه امور اجتماعی.

- کاهش اهمیت سرمایه‌گذاری در نیرو انسانی و آموزش و پرورش.

- فقدان توازن و تعادل در تخصیص هزینه سرانه آموزشی برای سطوح مختلف (ابتدایی - راهنمایی - متوسطه و عالی)

- کمبود شدید اعتبارات برای هرگونه نوآوری و ابتکار و سرمایه‌گذاری جدید.

۴- چالش‌های آموزش و پرورش ابتدایی

در تعیین استراتژی حرکت آموزش و پرورش، باید به دنبال یافتن راه‌هایی برای ایجاد ساختارهای اجرایی مردم‌سالار و جلب مشارکت عمومی و استفاده از همه قابلیت‌ها و امکانات جامعه و افزایش ظرفیت‌ها بود تا زمینه‌ای فراهم شود که کلیه نخبگان فکری و اندیشمندان و صاحب‌نظران مسائل فرهنگی و سیاسی خود را در امر تعلیم و تربیت و در نظام آموزشی کشور سهیم بدانند. در چنین سیستمی کلیه عناصر تأثیرگذار در جامعه برای ایجاد یک محیط برانگیزاننده و بالنده در جهت تحقق اهداف و برنامه‌های آموزش و پرورش کار می‌کنند و به منظور بهتر بودن و بهتر شدن و ارائه خدمات آموزشی باکیفیتی برتر، مشارکت فعال دارند.

آموزش عالی محسوب می‌شود در قرن بیست و یکم باید پاسخگوی نیازهای متغیر جامعه باشد.

با توجه به اهمیتی که در برنامه ملی توسعه کاربری فناوری اطلاعات و ارتباطات (تکفا) در سال ۱۳۸۱ برای توسعه منابع انسانی، تجهیز مدارس به رایانه و شبکه‌ای شدن آن‌ها، آموزش معلمان با مبحث ICT و... در نظر گرفته شده بود و نیز اهمیت دادن این طرح از سوی آموزش و پرورش تاکنون (با توجه به گزارش عملکرد)، لذا توسعه هر چه بیشتر و سریع‌تر زیرساخت ارتباطی از اولویت‌های مهم است. از اینرو با توجه به چشم اندازهای آینده آموزش و پرورش در پنجساله چهارم توسعه، به- کارگیری فناوری اطلاعات و ارتباطات در مدارس و تحول در فرایند آموزش و تحصیل را می‌توان به عنوان مهم‌ترین حلقه و پایه توسعه ملی در نظر گرفت. لذا در این خصوص نکاتی ضروری پیشنهاد می‌گردد:

برای ایجاد فرهنگ مناسب در استفاده از فناوری‌های مربوطه، به ویژه فناوری‌های اطلاعات، باید آموزش داد؛

آموزش باید از زمان کودکی، به‌ویژه در دوره‌های کودکی و ابتدایی در برنامه آموزشی گنجانده شود؛

استفاده‌های گوناگون از فناوری باید در برنامه‌های آموزشی مدارس لحاظ شود؛

کتاب‌های درسی نه تنها باید به توزیع دانش نظری بپردازد، بلکه همراه با آن به معرفی فناوری‌های تولیدشده از دانش هم اقدام کند؛

دانش آموزان باید برای جمع‌آوری اطلاعات به رسانه‌های گوناگون مراجعه کنند و این کار به‌وسیله معلم کلاس تشویق شود؛

کار با رایانه در برنامه درسی مدارس پیش‌بینی و تمهیدات لازم برای این هدف در نظر گرفته شود؛

آموزگاران آموزش‌های لازم برای کار با فناوری را ببینند و ترس و واهمه‌ای از کاربرد فناوری نداشته باشند؛

در تمام دوره‌های تحصیلی، کار با رایانه منظور شود، به ویژه برای انجام دادن امور پژوهشی (دبیرستان و دانشگاه)؛

نشانی سایت‌های رایانه‌ای مربوط به درس گوناگون به دانش آموزان معرفی شود؛

واژه نامه

1. Mac Loid
2. kohen

مک لوبد
کوهن

صحیح افراد در راستای دستیابی به معیارهایی چون اخلاقیات، دانش و معرفت، درک، بینش و مهارت‌ها گام بردارد. چرا که معیارهای آموزش جهانی نیز چنین می‌باشد. بنابر این با توجه به این معیارها آموزش و پرورش وظیفه دارد دانش‌آموزان را برای شهروندی جامعه جهانی آماده کند. تنها درک و فراگیری تاریخ، فرهنگ و زبان و ادبیات فارسی کشور بومی کافی نیست، بلکه مطالعه و بررسی تاریخ، فرهنگ و زبان جهان و کسب اطلاع از بازارهای جهانی، دانش آموزان را در مسیر شهروندگرایی جهانی سوق می‌دهد.

تقویت باورهای دینی، فرهنگی و اجتماعی باعث می‌شود که فرد از خود تعریف مشخصی داشته باشد. بنابراین آموزش و پرورش باید هویت دینی و ملی انسان‌های جامعه ایران را ارتقا بخشد، آن هم به شکلی که آنها به مسلمان بودن و ایرانی بودن خود افتخار کنند.

دستگاه‌ها و سیستم‌های مختلف آموزشی و فرهنگی اعم از دولتی، نمونه مردمی و غیرانتفاعی هر کدام راه خود را می‌روند و فاقد یک برنامه ریزی کلان و منسجم هستند. لذا اولین ضرورت در آموزش و پرورش، نظم بخشیدن به این نوع رفتارهاست که به‌نظر می‌رسد ایجاد هسته‌هایی که بتواند تحول در نظام آموزشی را با توجه به تجارب کشورهای موفق مورد ارزشیابی قرار دهد، مورد نیاز است.

آموزش و پرورش باید امری تأثیرگذار، فراگیر و تعهدی مادام‌العمر تلقی شود. یادگیری در دنیایی که فناوری به‌سرعت در حال تغییر است ایجاب می‌کند که آموزش بیش از توجه به موضوع یک رشته علمی، استعدادها و ظرفیت‌های گوناگون یادگیری را در دانش آموزان تقویت کند.

آموزش و پرورش باید با مراحل رشد دانش آموزان، یعنی درست به هنگام و در زمان لازم شکل گیرد. دسترسی به آن در همه جا، خواه در خانه، خواه از طریق اینترنت و یا رسانه‌های جمعی و کلاس‌های درس آسان باشد. نهادهای آموزشی سازمان‌های حرفه‌ای و رسانه‌های گروهی تمهیدات و تسهیلات آموزش مداوم را فراهم کنند.

آموزش و پرورش باید به تفکر انتقادی، ارتباطات اثربخش و روش حل مسئله توجه کرده، تنها به انتقال دانش و حقایق اکتفا نکند. از فرصت‌ها و شرایط جدید برای یادگیری‌های به‌هنگام دانش‌آموزان بهره گرفته، راه‌حل‌های برقراری ارتباط و تبادل ایده‌ها را به‌طور مؤثر در دانش آموزان با توجه به تفاوت‌های فردی ارائه دهد.

آموزش و پرورش بستر ساز فرهنگ همکاری‌های گروهی در مدرسه و تشریک مساعی با نهادهای بازرگانی و صنعتی و نهادهای آموزشی دیگر است. دانشگاه نیز که خود از نهادهای

- [3] Bayat M M. Proceedings of Globalization: Globalization and the Need for Interaction and Cultural Dialogue, Institute for Strategic Studies. 2004. [Persian]
- [4] Yang, T. Interreligious and intercultural dialogue in the Mediterranean Area During a period of globalization, prospects 101, 2001.
- [5] Driscoll, Amy and Nancy G. Nagel. Early Childhood Education Birth-8, the World of Children, Families, and Educators, 4th ed. 2008.

فهرست منابع

- [1] Serdarani MR. Educational Reforms and Modernization (with emphasis on Iran-Japan Comparative Education Study), Roozegar Publications, First Edition, Tehran. 2003. [Persian]
- [2] Eftekhari A Proceedings of Globalization: The Critical Crisis of the Educational System in the Global Age, Institute for Strategic Studies. 2004. [Persian]